

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه یازدهم_ ویژگی سوم منافقین: افساد در زمین
تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۹۶
مصادف با: ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۳۹
جلسه: ۲۴

﴿اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعِنَ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ﴾

دو نکته درباره آیه دهم

دو نکته از آیه دهم باقی مانده که آن را هم عرض می‌کنیم:

نکته اول: یکی در مورد کلمه اَلَيْم است، «و لهم عذاب اَلَيْم»، که به عنوان صفت عذاب ذکر شده و دو احتمال در مورد آن جریان دارد:

۱. اینکه اَلَيْم به معنای مولم، یعنی دردآور باشد، ۲. اَلَيْم به معنای دردناک، نه مولم به معنای دردآور.

مفسرین اَلَيْم را بعضاً به معنای مولم گرفته‌اند و برخی هم به معنای دردناک، هر دو صحیح است، هم ما می‌توانیم اَلَيْم را به معنای مولم بگیریم، و بگوییم «للمنافقين عذاب مولم» یا بگوییم برای منافقین عذاب دردناک است نه دردآور، هر دو قابل قبول است هرچند احتمال دوم چه بسا مناسب‌تر و اولی باشد، به این جهت که تناسب آن با عذاب بیشتر است اَلَيْم به معنای دردناک است و اینکه این یک عذابی است که همیشه درد و رنج و ناراحتی همراه دارد، خود عذاب دردناک است، نه اینکه عذاب درآور باشد.

نکته دوم: نکته دیگری که مربوط به آیه دهم است در مورد قسمت اخیر آیه است که فرمودند «وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»، این کذبی که در این آیه یاد شده و در واقع منشاء عذاب است، کذب در لسان نیست، کذب فی نفسه از گناهان کبیره است، کسی که دروغ می‌گوید گرفتار عذاب می‌شود. اما این کذب به عنوان یک ویژگی در منافقین مد نظر نیست چون این در بین غیر منافقین هم وجود دارد، آنچه با منافقین سازگار است، کذب اعتقادی است، چون در آیه می‌فرماید «وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» یعنی در حقیقت سبب عذاب اَلَيْم منافقین کذب آنها می‌باشد و در واقع این کذب است که ریشه نفاق آنها شده و موجب خدعه و نیرنگ آنها شده است و نهایتاً عذاب را به دنبال دارد. آن کذبی که سبب عذاب است و باعث می‌شود متصف به این صفت از کفار هم بدتر شود، کذب اعتقادی است، یعنی اینکه در اعتقاد و باور اهل دروغ است، و همین هم دورویی و نفاق را به دنبال دارد، اینکه گفته می‌شود منافقین از کفار بدتر

هستند برای این است که در آیه قرآن وارد شده است «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»^۱، اینها در پایین ترین مرتبه جهنم هستند و هیچ یاری کننده ای برای آنها نیست.

آیه یازدهم «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»

این آیات در مورد ویژگی سوم منافقین است، معنای آیه این است که وقتی به منافقین گفته می شود که افساد در زمین نکنید پاسخ می دهند که «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» ما مصلح هستیم نه مفسد، آگاه باشید که اینها مفسد هستند ولی خودشان نمیدانند و دقت نمی کنند.

ویژگی سوم منافقین: افساد در زمین

این ویژگی، یعنی فساد فی الارض، ویژگی سوم منافقین است، ویژگی اول مسئله خدعه و مکر و نیرنگ بود، ویژگی دوم که در آیه دهم اشاره شد مرض قلبی منافقین بود که درباره معنای آن و نیز آثار این مرض اجمالاً در دنیا و آخرت اشاره ای شد، ویژگی سوم فساد فی الارض می باشد.

معنای افساد در زمین

فساد به معنای خروج از اعتدال و در مقابل اصلاح به معنای ایجاد خلل در نظم و اعتدال یک شیئی است، در قرآن کریم موارد زیادی فساد یا افساد در مقابل صلاح یا اصلاح به کار رفته است، مثل این آیه که «الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»^۲، و یا آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»^۳، و یا آیه «وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ»^۴، پس افساد به معنای ایجاد خلل در نظم و اعتدال یک چیز است.

آنوقت متعلق فساد، زمین و ارض ذکر شده و معنایش این است که منافقین ویژگی و خصلتشان این است که در زمین ایجاد خلل در نظم و اعتدال امور زمین می کنند، افساد فی الارض به این معنا نیست که اینها در امور تکوینی زمین ایجاد خلل می کنند، چون امور تکوینی یک اسباب و علل خاصی دارد، البته اگر لازم باشد برای مقاصدی که دارند این کار کنند، آن را هم انجام میدهند ولی قطعاً در اینجا منظور ایجاد خلل در نظم و اعتدال تکوینی نظام ارض نیست، بلکه آنچه از این آیه فهمیده می شود ایجاد خلل در نظم جامعه و از بین بردن اعتدال زندگی اجتماعی بشر است، بالاخره جامعه دینی و اسلامی یک هویتی دارد. جامعه مثل فرد دارای حیات و هویت است، این هویت با یک سری خصلتها و ویژگیها شناخته می شود، جامعه دینی جامعه ای است که این مؤلفه ها در آن وجود دارد، البته یک سری امور اعتقادی

۱. سوره نساء، آیه ۱۴۵.

۲. سوره شعراء، آیه ۱۵۲.

۳. سوره اعراف، آیه ۵۶.

۴. سوره بقره آیه ۲۲۰.

است، یک سری از امور اخلاقی است و یک سری از امور رفتاری است، کردار و گفتار و رفتار و اعتقاد انسان‌های تشکیل دهنده جامعه اسلامی یک ویژگی‌ها و مختصات خاصی دارد، اعتدال و نظم این جامعه هم بر اساس یک موازینی تعریف شده است، مثلاً جامعه دینی و جامعه اسلامی همانطور که در اشخاص آن اعتدال وجود دارد، یعنی بین قوای مختلف انسانی، (قوه غضب و شهوت و عاقله) اعتدال هست، همین اعتدال نسبت به کلیت جامعه هم وجود دارد، ما فعلاً در مقام بیان مختصات جامعه اسلامی و دینی نیستیم که بگوییم نظم و اعتدال مجتمع اسلامی و دینی چگونه است ولی بالاخره همانطوری که فرد سالم در مسیر اعتدال قوای جسمانی و نظم و انضباط حرکت می‌کند، جامعه اسلامی هم چنین خصوصیتی دارد، جلوه‌های اینها این است که این جامعه یک جامعه با نظم و نظام است و اعتدال به آن معنای حقیقی در جامعه حکم فرما است، افساد منافق در جامعه اسلامی این است که در این نظم و در اعتدال جامعه اشکال ایجاد کند، برای همین است که به منافقین صفت «اسوء حالاً من الکفار» اطلاق می‌شود، نحوه دخالت کفار در ایجاد خلل و نظم و اعتدال جامعه متفاوت است، آنها از بیرون تلاش می‌کنند به این نظم و اعتدال آسیب بزنند، منافق از درون این کار را انجام می‌دهد. از بیرون اگر جامعه مورد حمله قرار بگیرد و این هويت بخواد زیر سوال برود و مخدوش شود این هویدا است، لذا شناخت و مقابله با آن آسانتر است هرچند مقتدر و قوی باشند، اما منافق مثل یک ویروسی است که در بدن انسان بدون اینکه او مطلع باشد، جا می‌گیرد و رشد می‌کند، لذا است که اسوء حالاً است، برای اینکه این بهم ریختن اعتدال و نظم جامعه دینی آشکار نیست، بعد از مدتها ممکن است (بعد از اینکه آثار آن معلوم شد) افراد جامعه متوجه ایجاد مشکل بشوند.

بنابر این یکی از ویژگی‌های مهم منافقین افساد فی الارض است، پس معلوم شد که افساد در امور تکوینی ارض نیست، افساد در امور اعتباری ارض است، که یا از ناحیه عقلا و یا از ناحیه شرع و شارع اعتبار شده است، اخلال در ارض هم به معنای اخلال در آن نظام زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد، یعنی همه ابعاد زندگی بشر، و به معنای این است که در نظم و اعتدال آن اجتماع خلل ایجاد می‌کند.

اینکه ما گفتیم افساد فی الارض، مسئله منحصر در افساد در مجتمع و جامعه نیست، اساسش آن است، ولی طیف وسیعی از فسادها را در بر می‌گیرد، حتی ممکن است افساد نسبت به یک شخص دیگر هم باشد، ولی آنچه که در مورد منافقین مهم است و در اینجا مقصود است این است که نسبت به اجتماع این کار را انجام می‌دهد، و إلا افساد نسبت به یک شخص، ممکن است حتی خیلی از ما هم گرفتار آن باشیم، غش نسبت به دیگران یک نوع افساد است، افساد نسبت به رابطه‌ای که بین انسان و خدا می‌باشد، این هم ممکن است ما مبتلا باشیم، کسی که مثلاً ریا کند در واقع دارد

رابطه اعتدالی بین خود و خدا را خراب و فاسد می‌کند ولی این هم به عنوان ویژگی و صفت برجسته منافقین نیست، افساد فی الارض در واقع یعنی افساد همان مجتمع با همان توضیح اجمالی که عرض کردیم.

افساد منافقین با صورت اصلاح است، یعنی ظاهر آن اصلاح است و باطن آن افساد، اینجا دو احتمال وجود دارد:

۱. یکی اینکه وقتی به اینها گفته می‌شود شما افساد نکنید، «قالوا انما نحن مصلحون» اینجا یکوقت است که خود اینها می‌دانند که افساد می‌کنند و اعتدال و نظم مجتمع را از بین می‌برند، اما به خاطر آن ویژگی منافقانه خود و آن خصوصیت نفاق و درویی خود ادعا می‌کنند که کار آنها اصلاح است، مثل همه کارهای دیگر که باطن آن کفر است و ظاهر آن ایمان است، این جا هم باطن فساد است و ظاهر صلاح است، این با خصوصیتی که منافقین دارند سازگار و منطبق است که وقتی به اینها گفته می‌شود که فساد نکنید، می‌گویند: «انما نحن مصلحون»، ما مصلح هستیم، فساد نمی‌کنیم که این هم به خاطر همان ویژگی نفاق است.

۲. احتمال دوم اینکه اینها واقعاً گمان می‌کنند دارند اصلاح می‌کنند، یعنی اینگونه نیست که فکر کنند این کاری که دارند انجام می‌دهند افساد باشد، فکر می‌کنند این کار اصلاح است، مثل کاری که با خداوند و مؤمنین می‌کردند، که «یخادعون الله والذین آمنوا» گمان می‌کنند که با خدا و مؤمنین مکر و حيله می‌کنند، در حالی که این پندار باطل آنها بود، آنها قدرت خدعه با خدا را ندارند و به گمان خودشان داشتند با خدا خدعه و مکر می‌کردند، در اینجا هم همینطور، اینجا چه بسا به پندار خودشان اصلاح می‌کنند ولی در واقع افساد است.

وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ، هم که در ادامه آیه آمده است، می‌گوید: اینها دقت نمی‌کنند، اینها نمی‌دانند و نمی‌فهمند، این می‌تواند به این معنا باشد که اینها نمی‌فهمند که دارند افساد می‌کنند ولو به ظاهر می‌گویند ما مصلح هستیم.

سوال:

استاد: نمی‌فهمند از این باب است که حقیقت را درک نمی‌کنند، قلبشان آمادگی پذیرش حقیقت را ندارد همانطور که ایمان پیدا نمی‌کنند، نمی‌فهمند نه به این معنا که غافل یا جاهل باشند، بحث غفلت و جهل نیست، مثل کسی که از روی نادانی می‌خواهد خدمت کند، ولی خیانت کند، اینگونه نیست، اینها از آن جهت که از حق و حقیقت و از خداوند دور هستند و تفقه ندارند و فهم و درک آنها گرفتار ضعف و مرض شده است، اصلاً به جایی رسیده اند که فساد خود را عین صلاح می‌بینند، نه اینکه مثل یک انسانی که مثلاً از نظر فکری ضعیف است، گمان می‌کند که دارد اصلاح می‌کند ولی فی الواقع افساد می‌کند، این ندانستن اینها یعنی اینها دقت نمی‌کنند و متوجه نیستند که چون از ایمان به خدا فاصله گرفته‌اند و چون باطناً کافر هستند، گمان می‌کنند دارند اصلاح می‌کنند.

در مورد آن کسی که ممکن است با نیت خیر قصد اصلاح داشته باشد ولی در عمل افساد کند، اینجا قصد اینها در واقع افساد است، منتهی اینها به گمان خود اصلاح می‌کنند، چون اساساً اصلاح را نمی‌فهمند و ایمان ندارند و حقیقت را درک نکرده اند و چون قلب آنها گرفتار بیماری شده ادعا می‌کنند که ما مصلح هستیم نه مفسد، ولی اینها نمی‌دانند آنچه که انجام می‌دهند در واقع افساد است نه اصلاح مثل ما یشعرونی که در آیه قبل آمده است. «یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون إلا انفسهم و ما یشعرون» آنجا نسبت به خدا مکر نمی‌کنند، بلکه نیرنگ و فریب در واقع فریب خودشان است، منتهی این را نمی‌فهمند، در اینجا هم گفته می‌شود که اینها دارند افساد می‌کنند ولی نمی‌فهمند، یعنی دقت نمی‌کنند که کار اینها افساد فی الارض است نه اصلاح.

البته این احتمال را هم می‌توانیم بدهیم که وقتی می‌گویند، «انما نحن مصلحون و لکن لا یشعرون» یعنی نمی‌دانند که ما می‌دانیم آنها مفسد هستند نه مصلح، یعنی دست آنها رو شده و ادعای آنها آشکار شده است، اگر می‌گویند ما مصلح هستیم این مثل ادعای ایمان آنها است که در باطن ایمان ندارند، این هم در حقیقت زاییده همان حالت نفاق آنها می‌باشد، یعنی در واقع به ظاهر خودشان را مصلح نشان می‌دهند ولی در واقع مفسد هستند و نمی‌دانند که این معلوم و آشکار است.

پس در اینجا می‌توان دو احتمال داد، احتمال اول اینکه بگوییم «و إذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض، قالوا انما نحن مسلمون» وقتی که به اینها گفته می‌شود در ارض فساد نکنید، آنها گفتند که ما مصلح هستیم، و این مثل ادعای ایمان آنها دروغ است، یعنی باطناً کافر هستند و به ظاهر می‌گویند ما مؤمن هستیم، خودشان می‌دانند افساد می‌کنند و ظاهراً می‌گویند ما داریم اصلاح می‌کنیم.

احتمال دیگر هم این است که بگوییم اینها اساساً به نقطه ای رسیده اند که افسادشان را عین اصلاح می‌دانند، چون از حقیقت و از ایمان و از خدا فاصله گرفته‌اند. در واقع به نقطه ای رسیده اند که اگر خللی در نظم و اعتدال جامعه ایجاد می‌کنند آن را عین صلاح میدانند و این هم به خاطر مرضی است که در قلب آنها است و به خاطر دوری آنها از خدا و ایمان است.

سوال:

استاد: کفر این اثر را ندارد چون اگر کفر این اثر را داشت همه کفار باید اینگونه می‌بودند، منافق یک صنف سومی از مردم است، ما گفتیم آیات اولیه سوره بقره، (بیست آیه اول سوره بقره) بعد از جمله اول که می‌گوید که این کتاب، کتاب

هدایت است، همین اول کار کأن می‌گوید «ایها الناس، الناس علی اصناف ثلاثة، المؤمن و الکافر و المنافق» منافق یک قسمی از مردم است درکنار مؤمن و کافر، پس اگر کفر این خصوصیت را داشت باید همه کفار اینگونه می‌بودند.

خلاصه توضیح آیه

به هر حال مجموعاً تا به اینجا ما یک توضیح مختصری درباره ویژگی سوم منافقین بیان کردیم که همان افساد فی الارض است، معنای افساد فی الارض هم روشن شد که منظور از افساد فی الارض چیست و کیفیت افساد منافقین در ارض چگونه است و به چه معنا است، و اینکه این افساد را با تابلو و پرچم اصلاح انجام می‌دهند، آنوقت در مورد این قسمت دو احتمال ذکر کردیم، هرچند به نظر می‌رسد با توجه به خصوصیتی که در منافقین است که اصلاً آنها، ظاهرشان و باطنشان متفاوت است، لذا این احتمال که بگوییم اینها خودشان هم می‌دانند که افساد می‌کنند، و باطناً می‌دانند که نظم اجتماع را به هم می‌ریزند اما ظاهرش را ظاهر اصلاح نشان می‌دهند، این بیشتر با ویژگی نفاق سازگار است.

نکته: فقط در مورد «قیل» که چرا در اینجا به صورت مجهول آورده و منظور چه چیزی است، شاید این در واقع برای این باشد که معنای عامی را برساند، یعنی هر کسی به اینها بگوید لا تفسدوا، قالوا انما نحن مصلحون، فرقی نمی‌کند، این قائل اگر خدا باشد، همین پاسخ را می‌دهند، اگر رسول خدا باشد، یا مردم باشند، اگر گفته شود به اینها که «لا تفسدوا»، می‌گویند: «قالوا انما نحن مصلحون»، پس علت اینکه «قیل» گفته و مجهول آورده، برای افاده عموم است به این معنا که اینها در برابر هر پرسشگر و هر قائلی در هر مرتبه و شأنی، چه پیامبر(ص) و چه امام معصوم(ع) و چه مردم عادی و حتی خود خداوند که در حقیقت سخن از هدایت اینها را دارد، پاسخ آنها این است که ما داریم اصلاح می‌کنیم و نه افساد.

بحث جلسه آینده

آیه دوازدهم که می‌خواهد در مورد اینها هشدار دهد که ان شاء الله بررسی خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»